



### زشت ترین قسم بهتان

«حال و ملکه» بهتان

اقسام بهتان

بهتان بر دو قسم است.

1. گاه در غیاب کسی به او دروغی می‌بندند و رفتار ناپسندی را مرتکب آن نشده است، به او نسبت می‌دهند. در این قسم از بهتان، دو گناه بزرگ نهفته است: یکی دروغ و دیگری غیبت؛ زیرا مطلب نسبت داده شده غیر واقعی است و در غیاب شخص هم ابراز شده است. [1]
2. گاه رفتار یا صفتی از صفات زشت نفسانی را که در شخص وجود ندارد، پیش رویش به او نسبت می‌دهند که در این قسم از بهتان فقط گناه دروغ نهفته است؛ ولی از نظر درجات دروغ، شدیدترین نوع دروغ به شمار می‌رود.

زشت ترین قسم بهتان

گاه بهتان زننده، آن چه را به دروغ نسبت داده، خود مرتکب نشده است؛ اما گاهی رفتار ناشایستی را که از خودش سر زده، به دیگری نسبت می‌دهد که این زشت‌ترین و ناپسندترین نوع بهتان به شمار می‌رود. خداوند متعالی همان طور که گذشت، در قرآن کریم به همین قسم اشاره دارد؛ آن جا که می‌فرماید:

و من یکسب خطیئه او اثما ثم به برینا فقد احتمل بهتانا و اثما مبینا. [2]

کسی که «خطا» یا «گناهی» مرتکب شود، سپس بی‌گناهی را متهم سازد، بار «بهتان» و گناه آشکاری را بر دوش گرفته است.

«حال و ملکه» بهتان [3]

بهتان نیز مانند رفتارهای زشت دیگر، گاه به صورت رفتاری اتفاقی و ناپایدار از انسان سر می‌زند که با هوشیاری اندک می‌تواند به رفع آن پرداخت و به آسانی از تکرار آن جلوگیری کرد؛ اما این رفتار بر اثر غفلت، تکرار شده، به صورت عادت و رفتاری ریشه دار در می‌آید تا آن جا که مایه خشنودی بهتان زننده و وسیله‌ای برای خارج کردن رقیبان از صحنه‌های اجتماعی می‌شود، و به صورت ابزاری تبلیغاتی مورد بهره برداری قرار می‌گیرد. این‌جا است که شخص از ولایت الاهی خارج، و در ولایت و سرپرستی ابلیس داخل می‌شود؛ همان گونه که امام صادق (ع) فرمود:

من روی علی مومن روايه برید بها شینه و هدم مروءته لیسقط من اعین الناس اخرجه الله من ولايته الی ولایه الشیطان فلا یقبله الشیطان. [4]

هر کس بر ضد مومنی سخنی نقل کند و فصدش از آن، زشت کردن چهره او و از بین بردن وجهه [ اجتماعی ] اش باشد و بخواهد او را از چشم مردم بیندازد، خداوند او را از ولایت خویش خارج می‌کند، و تحت سرپرستی شیطان قرار می‌دهد، و شیطان هم او را نمی‌پذیرد.

پی‌نوشت‌ها:

[1] علامه مجلسی قدس سره اجتماع دو گناه در بهتان غیر حضوری را بعید دانسته، می‌نویسد: و قد یقال فی البهتان انها غیبه و بهتان و تجتمع علیه العقوبتان و هو بعید. (علامه مجلسی: بحارالانوار، ج 72، ص 246).

[2] نساء (4): 112.

[3] حال به صفات ناپایدار درونی و ملکه به صفات پایدار درونی گفته می‌شود.

[4] کلینی: کافی، ج 2، ص 358، ج 1.

اخلاق الاهی (أفات زبان) ج 4 ص 132

أیت الله مجتبی تهرانى